



حج، جمع خلع و لبس و جمع تمام عبادات است/ در حج انسان، سلطه بر نفس پیدا می کند

یک پژوهشگر عرفان اسلامی با بیان اینکه در حج انسان علایق دنیا را از دست می دهد و خود را خالی می کند و هم لباس بندگی می پوشد، هردو را با همدیگر جمع دارد گفت: همچنین حج باعث وحدت و اتحاد مسلمین و قلوبشان می شود.

یک پژوهشگر عرفان اسلامی با بیان اینکه در حج انسان علایق دنیا را از دست می دهد و خود را خالی می کند و هم لباس بندگی می پوشد، هردو را با همدیگر جمع دارد گفت: همچنین حج باعث وحدت و اتحاد مسلمین و قلوبشان می شود. دکتر علی محمد صابری استاد دانشگاه فرهنگیان در گفتگو با خبرنگار مهر درمورد جایگاه حج در عرفان و ادبیات عرفانی ما گفت: حج به عنوان یکی از بزرگترین عبادات اسلامی، جمع بین تمام عبادات محسوب می شود. یعنی اگر به نماز نگاه کنیم عبادتی است که لباس بندگی را با نماز می پوشیم اصطلاحاً می گوئیم عبادت لبس. اما روزه عبادت خلع است یعنی کندن از دنیا و ظواهر و علایق آن، با روزه انسان خودش را از دلبستگی ها تخلیه می کند. اما حج جمع تمام این عبادات است. یعنی جمع بین خلع و لبس است.

وی افزود: در حج انسان علایق دنیا را از دست می دهد و خود را خالی می کند و هم لباس بندگی می پوشد، هردو را با همدیگر جمع دارد. همچنین حج باعث وحدت و اتحاد مسلمین و قلوبشان می شود. به مصداق این آیه شریفه «وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» درواقع حج می تواند هرگونه تفرقه را در مسلمین از بین ببرد. از این نظر اثر بسیار مثبتی دارد. نکته دیگری که درباب حج است این است که در حج وقتی لبیک می گوئیم لبیک ما درخواستی است که خداوند از بنده اش خواسته است.

این استاد دانشگاه فرهنگیان تصریح کرد: نکته دیگر «مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ» یعنی حاجی باید استطاعت مالی داشته باشد. البته این استطاعت، استطاعت جانی هم است یعنی آمادگی جسمانی داشته باشیم. اگر فقط مالی بود آنوقت حج فقط برای ثروتمندان می شد. نکته بعدی اینکه حج یادآور روز قیامت و محشر است اینکه انسان با خود هیچ چیزی نمی برد. موقعی که باید جان دهد قبل از اینکه وارد مرحله قیامت و بعد از مرگ شود؛ موقع جان کندن، دیگر نمی تواند به هیچ چیزی فکر کند. حالا چقدر مال و ثروت دارد اینها در او اثری ندارد. متوجه می شود که برای رسیدن به حق و وصال با او، باید مُرد. منتها مردن هم انواعی دارد فقط مرگ اظطراری نیست که دستش به هیچ جا نرسد در ادبیات عرفانی ما پیامبر فرمود «موتوا قبل ان تموتوا» یعنی بمیرید قبل از اینکه شما را بمیرانند. این مرگ اختیاری تسلط روح بر بدن را نشان می دهد. بدن نیست که تأثیر دنیوی بر روح می گذارد. دنیا هم که می گوئیم، علایق ما به همسر و فرزند و مال و اینها است. علایقی که جای علاقه به خدا را می گیرند. مولوی می گوید «چيست دنیا از خدا غافل بودن/ نه قماش و نقره و میزان و زن».

این محقق و پژوهشگر عرفان اسلامی ادامه داد: حج، تزکیه و تهذیب نفس هم است. بزرگترین درسی که به آدمی می دهد همین تزکیه و تهذیب نفس است. این حال صورت نمی گیرد مگر به وسیله ارباب القلوب. وقتی که حضرت ابراهیم (ع) می خواست خانه خدا را درست کند همه جا شیطان سر راهش قرار می گرفت. باید این شیطان را سنگ زد و امتحانات الهی را پس داد تا به آن صفا و مروه روح رسید. تا ارباب القلوب نباشد نفس تزکیه پیدا نمی کند. این چنین است که مولوی می گوید: «ای قوم به حج رفته کجایید کجایید/ معشوق همین جاست بیایید بیایید» هریک از مراتب اعمال حج هم خودش نمایانگر عملی عرفانی است.

دکتر صابری درمورد اینکه در ادبیات ما چه آثاری به حج اشاره کرده است گفت: در آثار ناصر خسرو سفرنامه حجش که مکالمه او با یک حاجی است داریم که از یک حاجی سوال می کند وقتی که حج رفتی خواستی احرام ببندی دنیا را بر خود حرام کردی؟ حاجی گفت نه، گفت وقتی رفتی قربانی کنی نفس خود را به قربانگاه بردی؟ گفت نه، گفت وقت که رفتی عرفات به عرفان حق رسیدی؟ گفت نه، پرسید وقتی منا رفتی پای روی منیت خود گذاشتی؟ گفت نه. ناصر خسرو گفت ای حاجی تو به سیاحت رفته ای نه به زیارت. در آثار مولوی هم مباحث عرفانی درمورد حج وجود دارد. کتابی سلطان حسین تابنده دارد به نام «اسرار عرفانی و عبادی حج» که انتشارات حقیقت آن را منتشر کرده است. در کتابهای قدیمی هم در دیوان شاه نعمت اله ولی مباحثی درباره اسرار حج و رسائل عبادی مطرح است. من 108 رساله ایشان را جمع و منتشر کرده ام که یکی از رساله هایش همین اسرار حج و اسرار سلوک حج است. در فصوص الحکم فصل الابراهیمیه و در حکمت محمدیه می بینیم که به صورت غیر مستقیم به این اسرار عرفانی اشاره شده است.

این پژوهشگر عرفان اسلامی در مورد اینکه چرا دیگر آثاری مانند «خسی در میقات» و یا «حج» شریعتی نوشته نمی شوند اظهارداشت: ایندو کتابهایی هستند که در دوره ای نوشته شده اند که از منظر ایدئولوژیک مورد بررسی قرار گرفته اند. یعنی از متون عرفانی استفاده شده؛ آمدند در وادی ادبیات؛ منتها چون با ایدئولوژی همراه بودند و پشتوانه جهان بینی نداشتند آن زمان هم زمان سیطره ایدئولوژی و نه جهان بینی بود. در نتیجه این مسئله شورمندی ای در روح فرد ایجاد می کند. البته دکتر شریعتی استاد جامعه شناسی عرفانی هم است و از دانشگاه فرانسه فارغ التحصیل شده بود. اما تا گذر به معرفت شناسی نداشته باشیم تا شناختی از اسرار حج نداشته باشیم نمی توانیم رفتارهای حج را یاد دهیم یعنی بگوئیم این گونه رفتار کنید. رفتارهای حاجی ایدئولوژیک است ولی نگاه او به حج، و اسرار حج معرفت شناسانه است. این چنین است که می بینیم اکنون

دوره این ایدئولوژیها گذشته است و دوره معرفت شناسی است به عبارتی دوره پست مدرن را داریم که می شود گفت به معنایی نقد مدرنیته و نقد ایدئولوژی است. یعنی با گذر از ایدئولوژی و رسیدن به جهان بینی معرفتی در مورد مثلا حج نویسندگان ما به دنبال این مبانی و مبادی عرفانی حج می گردند.

صابری در مورد اینکه چه راز و رمز های عرفانی و چه اسراری در این عبادت الهی نهفته است گفت: در یک جمله مهمترین راز و رمز آن این است که حج ماکت سیر و سلوک آدمی به عنوان یک عارف است. همان چیزی که عطار از آن صحبت هفت شهر عشق را می کند. مولوی هم می گوید «هفت شهر عشق را عطار گشت/ ما هنوز اندر خم یک کوچه ایم». در حج هفت شهر عشق را می بینیم. اولین آن منزل فقر و بیچارگی است. اینکه انسان چقدر دستش کوتاه است. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ». در اولین منزل حاجی فقط باید یک لباس سفید بپوشد حتی دوخته نشده باشد. می بینیم که انسان هیچ چیزی ندارد و هیچ چیزی را با خود نمی برد. منزل دیگر منزل عشق است. سیر دیگری که می بنید پیمودن و سختی این راه سیر و سلوک الی الله است. سفر من الخلق الی الحق است که باید با عشق همراه باشد. عشق همان ولایت انسان کامل است. اگر عشق نباشد نفس هم کشته نمی شود.

وی افزود: منزل سوم اسرار حج، منزل توحید است. در حج تمام توجه انسان رو به یک سمت است. در زمان هایی که حج نیست اینطوری نیست؛ حواسمان پراکنده است. اسیر توهومات و خیالات هستیم. ما در حج توحیدی فکر و زندگی و حرکت می کنیم در آئین مراقبه عرفانی که در زبان بودایی به آن «ذن» می گوئیم یا آیین مدیتیشن، انسان باید به آن حسی که دارد توجه و تمرکز داشته باشد و تا بتواند آن چشم سومش که چشم بصیرت دلش است باز شود و عوالم دیگری را بتواند مشاهده کند. این منزل توحیدی یکسو و یکپارچگی نگری، به یک نقطه نگریستن و خدا را ملاحظه فرمودند اگر خدا را نمی بینی حداقل بدانی که او همه جا حاضر است و تو را دارد می بیند.

این نویسنده و محقق ادامه داد: منزل دیگر، منزل زهد و توکل است. آنچه که در اسرار حج بسیار مهم است منزل زهد و توکل است. زهد بی تفاوتی به دنیا است. البته پا روی دنیا گذاشتن نیست و از بین بردن خیالات هم نیست. زهد درواقع بی تفاوتی نسبت به تمام مسائل دنیا است. خداوند را ولی و وکیل قرار دادن است که به دنبالش توکل می آید. یکی از اسرار حج وکیل گرفتن خدا است و اینطور هم نیست که یکی وکیل دیگری باشد و در زبان فقط بگوئیم «حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر» وکالت دادن به خدا یعنی اینکه جان و مال من از آن خداست و من اصلا مالکیتی ندارم.

صابری بیان کرد: یکی دیگر از اسرار حج منزل صبر است. صبر مقام عرفانی است. پیمودن این راه، بیابان و خشکی دارد. راه طول و درازی است. این صبر مقامی است که خداوند به حاجی و انسان سالک می دهد حتی در برابر گناهان باید صبر کرد. بر طاعت و بندگی هم باید صبر کرد یعنی آنقدر در خانه خدا را زد تا این در باز شود. ناله ها کرد دلشکسته و تن خسته اینجا می خرنند. بازار خودنمایی آن جای دیگر است. صبر بر گناهان و بر طاعت و بندگی و صبر در بلا، یعنی ممکن است بلاهای زیادی بر سرت بیاید «عاشقم بر قهر و بر لطف به جد/ ای عجب من عاشق این هردو ضد».

وی افزود: یکی دیگر از اسرار حج، سیر فنا است. یعنی فانی شدن از خود و محو فی الله شدن. کسی که می خواهد حق بین شود و راه حق را در پیش بگیرد باید از آخرین تعلقش که خودش و خودیت و منیتش است بگذرد. عاشق بداند پرده ای که بین عاشق و معشوق است خودش است. باید از این مرحله بگذرد. قرآن می گوید «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ» به سیر این آیه راه ببرد. فانی و فنا شدن یکی دیگر از اسرار حج است. یعنی محو فی الله، شدن این است که در توحید افعالی، صفاتی، و ذاتی می توانیم همه افعال الهی را در افعال خودمان ببینیم. مثل عدل، ترحم، رحم و هم اینکه صفات خدا را در خودمان ببینیم. مثل صفت علم، قدرت و اراده الهی و همه چیز ما عین صفات الهی شود؛ تا آدم به توحید ذاتی نائل شود.

نویسنده «حدیث عشق» عنوان کرد: آخرین سیر، سیر بقاءبالله است. یعنی حاجی از این فنای فی الله بر می گردد و در بقاءبالله آرام می گیرد. آنجاست که اصطلاحاً می گویند قرب نوافلی خداوند در او ظهور کرده است. لسانش می شود لسان الله، چشمش، عین الله، می شود. ولی طی کردن این سفر بسیار سخت است. به طوری که امام صادق در سفر حشش فرمود حاجی کم است ولی زوزه کن زیاد است. از پی بردن به این اسرار الهی متوجه می شویم که عبادت حج را به جا آوردن بسیار سخت است.

صابری در مورد اینکه چه نسبتی میان اثرات عرفانی حج با آثار سیاسی و اجتماعی آن وجود دارد تصریح کرد: از لحاظ اجتماعی و سیاسی، حج وحدت مسلمین و قلوبشان را شامل می شود. حج بزرگترین عبادت سیاسی و اجتماعی است. مسلمین متوجه می شوند که باید اختلافات را کنار بگذارند. دین باید دیانت و قدوسیت الهی برای رسیدن به خداوند و قرب الهی باشد. حتی اعمال شریعت و طریقت برای رسیدن به حقیقت است نه برای حفظ قدرت و سیاست. حاجی این را بسیار خوب درک می کند یعنی به یک معنا اگر حکومتی هم تشکیل می دهیم حکومت دینی باشد یعنی حکومتی در خدمت دین باشد و رنگ و صبغه کاملاً دینی داشته باشد. نه دین حکومتی مثل داعش که داعیه خلافت سر داده و در این راه هر جنایتی را هم می کند. مسلمین در حج پی می برند که این تلاشهای مذبوحانه و بیهوده که دین را ابزار قدرت قرار داده باید از بین برود.

این استاد دانشگاه فرهنگیان افزود: نکته مهم این است که مسلمانان اختلافاتشان را کنار بگذارند و بر سه اصل مشترک خود یعنی توحید، نبوت و معاد جمع شوند. گویندگان شهدان لا اله الا الله در همه جای جهان جزو مسلمین جهان هستند. هر چه اختلاف بیشتر شود مسلمین بیشتر ضرر می کنند. یکی دیگر از اثرات اجتماعی حج همنشینی و مجالست با عالمان و حکیمان دینی است. این همنشینی راه تعلیم و تربیت و پرورش روح را باز می کند. باب تزکیه و تهذیب، باب وحدت در جمع و باب انسان شدن و نزدیک شدن به آن حقیقت را. به آن حقیقت انسانی و خدایی را در نظر گرفتن و همه رو توجه کردن را به

مسلمانهای جهان یاد می دهد. باید این اصول مشترک را داشته باشند و روی اختلافات پا بگذاریم و نه انگشت بگذاریم. یعنی عیوب خود را ببینیم نه عیوب دیگران را. که این مسئله از بزرگترین محاسن حج است یعنی انسان سلطه بر نفس پیدا می کند.